

شرح سرخی بر حافظ

جلد چهارم

مولف و پژوهنده: جعفر سرخی



نشر اختر

سر شناسه	سرخی؛ جعفر، ۱۳۲۸ -
عنوان و پدیدآور	شرح سرخی بر حافظ / مولف و پژوهنده جعفر سرخی.
مشخصات نشر	تبریز: اختر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	ج۴.
شابک	دوره: ۳-۵۷۹-۵۱۷-۹۶۴-۹۷۸ ج۴: ۴-۷۱۲-۵۱۷-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فبیای مختصر	
یادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شماره کتابخانه ملی	۳۷۶۷۱۹۱:



نشر اختر

شرح سرخی بر حافظ (جلد چهارم)

مؤلف و پژوهنده: جعفر سرخی

ناشر: نشر اختر

چاپ اول ۱۳۹۵ ● ۷۹۶ صفحه ● قطع وزیری ● ۱۰۰۰ جلد

شابک (جلد ۴): ۴-۷۱۲-۵۱۷-۹۶۴-۹۷۸

شابک دوره: ۳-۵۷۹-۵۱۷-۹۶۴-۹۷۸

مرکز فروش: تبریز - اول خیابان طالقانی، روبروی مصلی، نشر اختر

تلفن: ۰۴۱-۳۵۵۵۵۳۹۳

قیمت جلد چهارم: ۵۰۰۰۰ تومان

فهرست غزل‌ها

شماره غزل مطلع غزل صفحه

۲۲۷۷	فاتحه‌ای چو آمدی بر سر خسته‌ای بخوان	۳۸۲
۲۲۸۲	چندان که گفتم غم با طیبیان	۳۸۳
۲۲۸۶	می‌سوزم از فراق روی از جفا بگردان	۳۸۴
۲۲۹۱	یا رب آن آهوی مشکین به ختن باز رسان	۳۸۵
۲۲۹۵	خدا را کم نشین با خرقه پوشان	۳۸۶
۲۲۹۹	شاه شمشادقدان خسرو شیرین دهان	۳۸۷
۲۳۰۴	بهار و گل و لعل انگیز گشت و توبه شکن	۳۸۸
۲۳۰۹	چو گل هر موم بویت جامه در تن	۳۸۹
۲۳۱۴	افسر سلطان گن پید شد از طرف چمن	۳۹۰
۲۳۲۶	خوشت از فکر می و بنام چه خواهد بودن	۳۹۱
۲۳۳۱	دانی که چیست دولت دیدار با دیدن	۳۹۲
۲۳۳۶	منم که شهره شهرم به عشق و دران	۳۹۳
۲۳۴۳	ای روی ماه منظر تو نوبهار حسن	۳۹۴
۲۳۴۹	گلبرگ راز سنبل مشکین نقاب کن	۳۹۵
۲۳۵۴	صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن	۳۹۶
۲۳۵۸	ز در درآ و شستان ما منور کن	۳۹۷
۲۳۶۶	ای نور چشم من سخنی هست گوش کن	۳۹۸
۲۳۷۱	کرشمه‌ای کن و بازار ساحری بشکن	۳۹۹
۲۳۷۶	بالابلند عشوه گر نقش باز من	۴۰۰
۲۳۸۴	چون شوم خاک رهش دامن بیفشاند ز من	۴۰۱

۲۳۹۰	نکته‌ای دلکش بگویم خال آن مه رو بین	۴۰۲
۲۳۹۵	شراب لعل کش و روی مه جبینان بین	۴۰۳
۲۴۰۰	می فکن بر صف رندان نظری بهتر از این	۴۰۴
۲۴۰۵	به جان پیر خرابات و حق صحبت او	۴۰۵
۲۴۱۲	گفتا برون شدی به تماشای ماه نو	۴۰۶
۲۴۱۹	مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو	۴۰۷
۲۴۲۷	ای آفتاب آینه دار جمال تو	۴۰۸
۲۴۳۳	ای خونبهای نافه چین خاک راه تو	۴۰۹
۲۴۳۹	ای قبا‌ی پادشاهی راست بر بالای تو	۴۱۰
۲۴۴۷	تاب بنفشه می دهد طره مشک سای تو	۴۱۱
۲۴۵۴	ما چشم بست خون افشان ز دست آن کمان ابرو	۴۱۲
۲۴۶۰	خاک عذار یار که بگرفت ماه از او	۴۱۳
۲۴۶۷	گلبن عیش سی‌ده . سانی گل‌عذار کو	۴۱۴
۲۴۷۵	ای پیک راستان بر یار ما بگو	۴۱۵
۲۴۸۳	خنک نسیم معتبر شمامه‌ی ماهواره	۴۱۶
۲۴۸۹	عیشم مدام است از لعل داغ ده	۴۱۷
۲۴۹۴	گر تیغ بارد در کوی آن ماه	۴۱۸
۲۴۹۹	وصال او ز عمر جاودان به	۴۱۹
۲۵۰۸	ناگهان پرده برانداخته‌ای یعنی چه	۴۲۰
۲۵۱۴	در سرای مغان رفته بود و آب زده	۴۲۱
۲۵۲۵	ای که با سلسله زلف دراز آمده‌ای	۴۲۲
۲۵۳۱	دوش رفتم به در میکده خواب آلوده	۴۲۳
۲۵۴۸	از من جدا مشو که توام نور دیده‌ای	۴۲۴
۲۵۵۲	دامن کشان هینی شد در شرب زر کشیده	۴۲۵
۲۵۵۸	از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه	۴۲۶

۲۵۶۳	چراغ روی تو را شمع گشت پروانه	۴۲۷
۲۵۷۱	سحر گاهان که مخمور شبانه	۴۲۸
۲۵۸۳	ساقی بیا که شد قدح لاله پر ز می	۴۲۹
۲۵۹۰	به صوت بلبل و قمری اگر ننوشی می	۴۳۰
۲۵۹۹	لبش می بوسم و در می کشم می	۴۳۱
۲۶۰۶	مخمور جام عشقم ساقی بده شرابی	۴۳۲
۲۶۱۲	ای که بر ماه از خط مشکین نقاب انداختی	۴۳۳
۲۶۳۴	ای دل میباش یک دم خالی ز عشق و مستی	۴۳۴
۲۶۴۰	با مدعی مگویند اسرار عشق و مستی	۴۳۵
۲۶۴۵	از ناله خط گرسوی ما نامه نوشتی	۴۳۶
۲۶۵۲	ای صدهشت ز کویت حکایتی	۴۳۷
۲۶۵۹	سبت ستم به بدغیها فزادی	۴۳۸
۲۶۶۷	دیدم به خواب دوش که ماهی بر آمدی	۴۳۹
۲۴۷۴	سحر بباد می تپتم حریفش از رومندی	۴۴۰
۲۶۸۲	چه بودی از دل آن مهربان ردی	۴۴۱
۲۶۸۶	به جان او که گرم دسترسش بودی	۴۴۲
۲۶۹۱	چو سرو اگر بخرامی دمی به گزری	۴۴۳
۲۶۹۷	شهریست پر ظریفان و از هر طرف نگراری	۴۴۴
۲۷۰۳	تو را که هر چه مراد است در جهان داری	۴۴۵
۲۷۱۱	صبا تو نکشت آن زلف مشک بو داری	۴۴۶
۲۷۱۷	بیا با ما مورز این کینه داری	۴۴۷
۲۷۲۱	ای که در کوی خرابات مقامی داری	۴۴۸
۲۷۲۷	ای که مهجوری عشاق روا می داری	۴۴۹
۲۷۳۱	روز گاریست که ما را نگران می داری	۴۵۰
۲۷۳۷	خوش کرد یآوری فلکت روز داوری	۴۵۱

۲۷۴۴	طفیل هستی عشقند آدمی و پری	۴۵۲
۲۷۵۴	ای که دایم به خویش مغروری	۴۵۳
۲۷۵۸	ز کوی یار می آید نسیم باد نوروزی	۴۵۴
۲۷۶۸	عمر بگذشت به بی حاصلی و بوالهوسی	۴۵۵
۲۷۷۵	نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی	۴۵۶
۲۷۷۹	هزار جهد بکردم که یار من باشی	۴۵۷
۲۷۸۴	ای دل آن دم که خراب از می گلگون باشی	۴۵۸
۲۷۸۹	زین خوش رقم که بر گل رخسار می کشی	۴۵۹
۲۷۹۴	لمیمی منذ حلت بالعراق	۴۶۰
۲۸۰۲	کست قصه شوقی و مدمعی باکی	۴۶۱
۲۸۰۸	یا مہبسم! حاکمی درجا من اللالی	۴۶۲
۲۸۱۶	سلام الله ما تم اللیالی	۴۶۳
۲۸۲۲	بگرفت کمال حسنات چون عشق من کمالی	۴۶۴
۲۸۲۶	رفتم به باغ صبحی تا چنم گلی	۴۶۵
۲۸۲۹	این خرقه که من دارم در ره شراب اولی	۴۶۶
۲۸۳۴	زان می عشق کز او پخته شد سر نامی	۴۶۷
۲۸۳۸	که برد به نزد شاهان ز من گدا بیامی	۴۶۸
۲۸۴۴	انت روائح رند الحمی و زاد غرامی	۴۶۹
۲۸۵۱	سینه مالا مال درد است ای دریغا مرهمی	۴۷۰
۲۸۵۸	ز دلبرم که رساند نوازش قلمی	۴۷۱
۲۸۶۴	احمد الله علی معدلہ السلطان	۴۷۲
۲۸۷۳	وقت را غنیمت دان آن قدر که بتوانی	۴۷۳
۲۸۸۴	خواخواه توام جانان و می دانم که می دانی	۴۷۴
۲۸۹۰	گفتند خلائق که تویی یوسف ثانی	۴۷۵
۲۸۹۴	نسیم صبح سعادت بدان نشان که تو دانی	۴۷۶

۲۹۰۱	دو یار زیرک و از باده کهن دومی	۴۷۷
۲۹۱۱	نوش کن جام شراب یک مئی	۴۷۸
۲۹۱۷	صبح است و ژاله می چکد از ابر بهمنی	۴۷۹
۲۹۲۳	ای که در کشتن ما هیچ مدارا نکنی	۴۸۰
۲۹۲۸	بشنو این نکته که خود را ز غم آزاده کنی	۴۸۱
۲۹۳۴	ای دل به کوی عشق گذاری نمی کنی	۴۸۲
۲۹۳۹	سحرگه ره روی در سرزمینی	۴۸۳
۲۹۴۷	تو مگر بر لب آبی به هوس بنشینی	۴۸۴
۲۹۵۴	ساقیا سایه ابر است و بهار و لب جوی	۴۸۵
۲۹۵۹	بیا ز شاخ سرو به گلبنگ پهلوی	۴۸۶
۲۹۶۵	ای سر بکوش که صاحب خبر شوی	۴۸۷
۲۹۷۹	سحر هاتف میخانه به دولتخواهی	۴۸۸
۲۹۹۰	ای در رخ تو بدای اوار پادشاهی	۴۸۹
۲۹۹۹	در همه دیر مدن نیست چو من شیدایی	۴۹۰
۳۰۰۹	به چشم کرده ام ابرو من ماه سیمایی	۴۹۱
۳۰۱۵	سلامی چو بوی خوش آشنای	۴۹۲
۳۰۲۰	ای پادشه خویان داد از غم تنهایی	۴۹۳
۳۰۲۹	ای دل گر از آن چاه زنخدان به در آیی	۴۹۴
۳۰۳۵	می خواه و گل افشان کن از دهر چه می جویی	۴۹۵